



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: فلسفه

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام

عنوان:

بررسی آراء اندیشمندان ایران در زمینه جهتداری علوم

بعد از انقلاب اسلامی

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی سبحانی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا

نگارش: حسین سعدآبادی

آبان 1391

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به منجى عالم بشریت حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله فرجه و ظهوره)

تقدیر و تشکر

باجرد و پاس بی پایان به درگاه خداوند متعال که توفیق محارث این پژوهش را به بنده عنایت فرمود. اثری که همیش رو داید حاصل زحمت و بهجاری عزیزانی است که این بنده حقیر را مورد لطف و راهنمایی خویش قرار دادند و اگر نبود محبت های بی دریغ ایشان، این نوشتار به سرانجام نمی رسید؛ لذا بر خود لازم می دانم از تمامی این خبان و در رأس آنها اساتید که تقدیرم جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد تقی سجانی، اساتذراهنما و جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر پارسانیا، اساتذمشاور این پژوهش، تقدیر و تشکر ویژه داشته باشم.

همچنین از پدر و مادر و همسرم به جهت زحمانی که در راه تحصیل متحمل شده اند، خالصانه تشکر می کنم، باشد که قدر دان زحمت و الطافشان باشم.

چکیده

مسئله «جهتداری علم» از آن رو که یکی از مهمترین مسائل زیر بنایی در راستای مباحث «علم دینی» به شمار می رود از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این پژوهش سعی شده است تا با بررسی آراء و نظرات تعدادی از اندیشمندان مطرح بعد از انقلاب اسلامی یعنی آیت الله جوادی آملی، حجت الاسلام و المسلمین میر باقری و دکتر سروش درباره جهتداری علم، گامی هر چند کوتاه در زمینه تبیین مسئله جهتداری برداشته شود. در این تحقیق بیان خواهد شد که علی رغم اختلاف اساسی این اندیشمندان در برخی مبانی، همگی قائل به بحث جهتداری علم و لو به صورت اجمالی هستند؛ یعنی هر سه نفر برخی از امور پیشینی را به نحوی دخیل در علوم می دانند و سخنان ایشان دال بر این مدعاست. از جمله هر سه اندیشمند مذکور قائل به تأثیر گذاری شخصیت عالم در علم هستند. همچنین محیط تولید علم را در آن موثر می دانند. ایشان فرضیه ها را نیز از جمله اموری می دانند که در علم تأثیر می گذارد. از نگاه افراد مورد بررسی، فلسفه ای که عالم به آن معتقد است نیز در علم تأثیرگذار است. در بین اندیشمندان مذکور تنها آقای میرباقری به تقدم اراده و اختیار فرد بر علم قائل است و بر آن تأکید دارد اما دیگر اندیشمندان نظر متفاوتی دارند.

از دیگر نتایج این تحقیق این است که برخی از اندیشمندان مورد اشاره گاهی راجع به علم مطلوب در نظر خود سخن گفته اند و گاهی نیز راجع به علوم موجود مطالبی را بیان نموده اند و همین مطلب باعث شده تا در ظاهر نوعی دوگانگی و ناسازگاری در سخن ایشان بروز نماید که البته با توجه به مطلب مذکور (تفاوت علوم مطلوب و علوم موجود) این ناسازگاری بر طرف خواهد شد. و با توجه به همین مطلب آن دسته از مطالبی که در تضاد با مسئله جهتداری علم هست نیز مخلّ برای مسئله جهتداری نخواهند بود.

کلمات کلیدی: عبد الله جوادی آملی، سید محمد مهدی میر باقری، عبدالکریم سروش، علم، علم دینی، جهتداری علم، علوم تجربی، امور پیشینی.

فهرست:

چکیده.....	ث
فصل اول: کلیات.....	1
1.1. تبیین مسئله.....	2
2.1. اهمیت و ضرورت پژوهش:.....	4
3.1. پیشینه پژوهش:.....	5
4.1. سؤال اصلی پژوهش:.....	6
5.1. سؤالات فرعی پژوهش:.....	6
6.1. فرضیه پژوهش:.....	7
7.1. روش پژوهش:.....	7
8.1. اهداف پژوهش:.....	7
9.1. جایگاه بحث جهتداری علوم:.....	7
10.1. مفاهیم پژوهش:.....	8
1.10.1. علم.....	8
2.10.1. علوم طبیعی و انسانی:.....	8
3.10.1. روش علمی.....	9
4.10.1. جهتداری علوم:.....	10
5.10.1. متافیزیک.....	10
6.10.1. دین.....	11
7.10.1. جهان بینی.....	12

8.10.1. نظریه 13

1.8.10.1. معنای عام نظریه: 13

2.8.10.1. معنای خاص نظریه: 14

فصل دوم: جهتداری علم از نظر آیت الله عبدالله جوادی آملی..... Error! Bookmark not defined.

1.2. تعریف معرفت Error! Bookmark not defined.

2.2. همتایی عقل و نقل در ادراک واقعیت Error! Bookmark not defined.

3.2. عقل برهانی و اطمینان آور حجت است Error! Bookmark not defined.

4.2. روایات تخطئه عقل Error! Bookmark not defined.

5.2. دلیل حجیت عقل و ادراکات عقلی Error! Bookmark not defined.

6.2. علوم معاصر Error! Bookmark not defined.

7.2. جهتداری یا عدم جهتداری علوم Error! Bookmark not defined.

8.2. نقد «عدم جهتداری علم» از نگاه استاد جوادی آملی Error! Bookmark not defined.

1.8.2. تأثیر «ویژگی های عالم و نوع نگاه وی به عالم» در علوم Error! Bookmark not defined.

2.8.2. نقش فلسفه های مطلق در جهتداری فلسفه های مضاف و نهایتاً جهتداری علوم Error! Bookmark not defined.

1.2.8.2. تفکیک مقام ثبوت و اثبات علم از دیدگاه آقای جوادی Error! Bookmark not defined.

3.8.2. اسلامی کردن علوم Error! Bookmark not defined.

پاسخ به یک اشکال: Error! Bookmark not defined.

جمع بندی مطالب Error! Bookmark not defined.

فصل سوم: جهت داری علم از نظر حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی میرباقری Error!

Bookmark not defined.

1.3. نقد معنای مرسوم از معرفت و علم Error! Bookmark not defined.

2.3. نقد نظریه کاشفیت Error! Bookmark not defined.

- 1.2.3. اشکال بر تطابق.....**Error! Bookmark not defined.**
- 1.1.2.3. نقد تطابق بر مبنای اصالت ماهیت**Error! Bookmark not defined.**
- 2.1.2.3. ضعف دلیل «تطابق» بنابر مسلک «اصالت وجود».....**Error! Bookmark not defined.**
- 2.2.3. خدشه در تعریف علم بر مبنای مجرد.....**Error! Bookmark not defined.**
- 3.3. خدشه در فرایند علیتی فهم.....**Error! Bookmark not defined.**
- 4.3. تعریف علم و فرایند آن از نگاه آقای میر باقری.....**Error! Bookmark not defined.**
- 5.3. جهت داری علم از منظر استاد میر باقری:.....**Error! Bookmark not defined.**
- 1.5.3. جهتداری از منظر کارآمدی.....**Error! Bookmark not defined.**
- 2.5.3. جهتداری از منظر منطق و متدولوژی.....**Error! Bookmark not defined.**
- 3.5.3. جهتداری از منظر معرفت شناسی.....**Error! Bookmark not defined.**
- 1.3.5.3. نقد دیدگاه موجود در باب تعریف و شکل گیری علم.....**Error! Bookmark not defined.**
- 2.3.5.3. تحلیل آقای میرباقری از چگونگی فهم.....**Error! Bookmark not defined.**
- 6.3. نسبت علم و معرفت.....**Error! Bookmark not defined.**
- 7.3. تفاهم:.....**Error! Bookmark not defined.**
- 1.7.3. عدم تلازم تفاهم و تکاشف:.....**Error! Bookmark not defined.**
- 2.7.3. تفاهم با محوریت عقل عملی:.....**Error! Bookmark not defined.**
- 3.7.3. تفاهم بر مبنای فاعلیت نه علیت:.....**Error! Bookmark not defined.**
- 4.7.3. رد نسبیّت مطلق و اثبات امکان تفاهم:.....**Error! Bookmark not defined.**
- 5.7.3. فهم نسبی (غیر مطلق) و چگونگی تفاهم:.....**Error! Bookmark not defined.**
- 8.3. جهتداری علوم مدرن موجود:.....**Error! Bookmark not defined.**
- 1.8.3. جهت دار بودن علوم غربی:.....**Error! Bookmark not defined.**
- 2.8.3. گستره جهتداری علوم غربی:.....**Error! Bookmark not defined.**
- 9.3. جهتداری علوم اسلامی مصطلح موجود:.....**Error! Bookmark not defined.**

- 10.3. چگونگی دستیابی به علم دینی: Error! Bookmark not defined.
- تاملاتی در بیانات استاد میرباقری Error! Bookmark not defined.
- پاسخ به یک اشکال: Error! Bookmark not defined.
- جمع بندی مطالب: Error! Bookmark not defined.
- فصل چهارم: جهت داری علم از نظر دکتر عبد الکریم سروش Error! Bookmark not defined.
- 1.4. علم Error! Bookmark not defined.
- 2.4. مذمت تجربه گرایی غرب: Error! Bookmark not defined.
- 3.4. نکاتی در راستای مخالفت با جهتداری علم Error! Bookmark not defined.
- 1.3.4. علم (Science) از نگاه دکتر سروش Error! Bookmark not defined.
- 2.3.4. هر علم موضوع معینی دارد و اسلامی و غیر اسلامی نمی شود Error! Bookmark not defined.
- 3.3.4. هر علم روش معینی دارد و اسلامی و غیر اسلامی نمی شود Error! Bookmark not defined.
- 4.3.4. هر علم غایتی دارد که به موضوع آن بر می گردد و موضوع واحد است و اسلامی و غیر اسلامی نمی شود Error! Bookmark not defined.
- 5.3.4. نقد جهتداری از جهت تفاوت سوال ها و مشکلات Error! Bookmark not defined.
- 6.3.4. تفکیک مقام داوری و گرد آوری Error! Bookmark not defined.
- 7.3.4. مخالفت با ایدئولوژیک کردن علوم Error! Bookmark not defined.
- 4.4. جهتداری علم از منظر دکتر سروش Error! Bookmark not defined.
- 1.4.4. تفکیک بین مقام گرد آوری و داوری، امری غیر ممکن Error! Bookmark not defined.
- 2.4.4. تأثیر فلسفه در علوم Error! Bookmark not defined.

- 1.2.4.4.1. معنای اولی از فلسفه که در علوم تاثیرگذار است **Error! Bookmark not defined.**
- 2.2.4.4.2. معنای دوم از فلسفه که در علوم تاثیرگذار است **Error! Bookmark not defined.**
- 3.2.4.4.3. معنای سوم از فلسفه که در علوم تاثیرگذار است **Error! Bookmark not defined.**
- 3.4.4.3. علوم انسانی رنگ عالم را با خود دارند..... **Error! Bookmark not defined.**
- 4.4.4.4. تأثیر ایدئولوژی و ارزش‌ها و اهداف عالم بر علوم انسانی ... **Error! Bookmark not defined.**
- 5.4.4.5. تأثیر محیط **Error! Bookmark not defined.**
- 1.5.4.4.1. نقش فرهنگ و محیط در فهم **Error! Bookmark not defined.**
- 2.5.4.4.2. دانش در جوامع اسلامی اصیل متفاوت از غرب **Error! Bookmark not defined.**
- 6.4.4.6. تأثیر پیش فرض ها **Error! Bookmark not defined.**
- 1.6.4.4.1. پاسخ یک اشکال در رابطه با نقش پیش فرض ها **Error! Bookmark not defined.**
- 7.4.4.7. برخی نکات مهم **Error! Bookmark not defined.**
- 1.7.4.4.1. جهتداری موضوع، روش و غایت علوم **Error! Bookmark not defined.**
- 1.1.7.4.4.1. جهتداری موضوع علوم انسانی **Error! Bookmark not defined.**
- 2.1.7.4.4.2. جهتداری روش علوم **Error! Bookmark not defined.**
- 3.1.7.4.4.3. جهتداری در غایت **Error! Bookmark not defined.**
- 2.7.4.4.2. فهم نسبی در علوم تجربی: **Error! Bookmark not defined.**
- جمع بندی مطالب: **Error! Bookmark not defined.**
- جمع بندی و نتیجه گیری **Error! Bookmark not defined.**
- الف: مروری مقایسه ای بر مهم ترین شاخصه های جهتداری **Error! Bookmark not defined.**
- تعریف علم **Error! Bookmark not defined.**
- رابطه فهم و اختیار **Error! Bookmark not defined.**
- رابطه شخصیت عالم و علم: **Error! Bookmark not defined.**
- رابطه فلسفه و علم: **Error! Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined...... رابطه محیط و علم:

Error! Bookmark not defined...... رابطه فرضیه ها و نظریه ها و علم:

Error! Bookmark not defined...... ب: برخی نتایج این پژوهش:

Error! Bookmark not defined...... فهرست منابع:

فصل اول: کلیات

1.1. تبیین مسئله

علم موضوعی است که همگان در طول تاریخ سعی داشته‌اند، به گونه‌ای خود را به آن متصف سازند و در مقابل، جهل امری است که مقبول هیچ کسی نبوده است. در طول تاریخ علم و عالمان سرگذشت پیچیده و پر رمز و رازی را طی کرده‌اند و به زمان کنونی رسیده‌اند. البته در اینجا این معنای گسترده علم یعنی مطلق آگاهی و فهم مد نظر نیست؛ بلکه تنها از علمی بحث می شود که به علوم تجربی موسوم است. علوم تجربی، معرفت‌های سامان‌یافته، نظام‌مند و تجربه‌پذیر است که تجربه در آن‌ها به عنوان داور مطرح است. به عبارت دیگر مجموعه معرفتی مشتمل بر منظومه‌ای سازوار و ناظر بر جهان واقع مدنظر است که روش آن تجربه و معادل آن در زبان انگلیسی، «Science» می باشد.

در زمان کنونی یکی از گرم‌ترین مباحث علمی، راجع به همین علم در جریان است. برخی معتقدند که علم واحد است و غربی و شرقی، مکتبی و غیرمکتبی، دینی و غیردینی و ... نمی‌شناسد و تنها واقع را آنچنان که هست می‌نمایاند. در مقابل، عده‌ای دیگر معتقدند که علم از امور و اصول پیشینی تأثیر می‌پذیرد و ماحصل علم تحت تأثیر اموری مثل فلسفه، جهان‌بینی، شخصیت عالم، محیط تولد و رشد علم و ... قرار می‌گیرد و خروجی علم متأثر از این امور می‌گردد.

یکی از مهمترین آثار این بحث، یعنی بررسی تأثیر امور پیشینی در علم، در مباحث مربوط به علم دینی بروز و ظهور خواهد داشت که تنها همین نکته می تواند اهمیت موضوع مورد بحث را نشان دهد. هر چند علم دینی قدمت زیادی ندارد و برخی محققین گفته‌اند که مسئله اسلامی‌سازی دانش، تلاشی است که از چند دهه گذشته، توسط نقیب‌العطاس، مودودی، سید احمدخان هندی و دیگران آغاز شده است؛¹ اما در سال‌های اخیر مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث‌های پیرامون علم دینی رشد چشم‌گیری داشته و محققین و اساتید زیادی را به خود مشغول کرده است. این در حالی است که بحث جهتداری یا عدم جهتداری علم یکی از بنیادی‌ترین مباحثی است که در مورد علم دینی مطرح می‌گردد؛ یعنی اگر فردی به جریان جهتداری علم قائل شود به گونه‌ای در مورد علم دینی بحث می‌کند و اگر به جهتداری قائل نشود به گونه‌ای کاملاً متفاوت

1. مهدی گلشنی، از علم سکولار تا علم دینی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1385، ص 19.

نظریه علم دینی را بررسی می‌نماید. با این حال، جهتداری علم بحثی است که از زمان طرح آن در کشور ما، زمان زیادی نمی‌گذرد و همین الان هم کماکان بحثی نو و دسته اول محسوب می‌شود.

از آنجا که بررسی نظرات همه اندیشمندان بعد از انقلاب اسلامی، آن هم در این مجال اندک غیر ممکن است، در این نوشتار سعی شده است تا با توضیح آراء برخی علما و اندیشمندان بعد از انقلاب و تبیین زوایای گوناگون آن، مسئله جهتداری علم از نظر ایشان بررسی شود. در تحقیق پیش‌رو تنها به بررسی و توضیح آراء سه نفر از اندیشمندان بعد از انقلاب اسلامی پرداخته شده است که عبارتند از: آیت‌الله جوادی آملی، دکتر سروش و حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری.

بررسی نظرات این سه نفر، هر یک از جهاتی برای نگارنده حائز اهمیت بوده است. آیت‌الله جوادی آملی از جمله فیلسوفان مطرح حکمت متعالیه در زمان کنونی است و معتقد است که می‌توان با تکیه بر اصول فلسفی و جهان‌بینی اسلامی به علوم صحیح دست پیدا کرد و در این مورد مباحث متنوع و مفصلی بیان کرده‌اند. بررسی نظر استاد، با توجه به نگاه خاص و تاکید ویژه ایشان بر حکمت متعالیه حائز اهمیت می‌باشد و از همین رو در ابتدای این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است.

شخص دیگری که به آراء و نظرات وی در مورد موضوع این تحقیق پرداخته شده است، آقای دکتر سروش می‌باشد. ایشان نیز از اندیشمندان مشهور بعد از انقلاب اسلامی است که به دلیل ارائه نظرات خاص در مورد وحی و ماهیت آن، و همچنین در مورد علم صحیح و ماهیت آن و ... در بین اهل علم، تا حد زیادی شناخته شده است. دکتر سروش نیز مطالب زیاد و متنوعی در مورد علم بیان کرده‌اند و در مورد علم دینی نگاهی متفاوت با نظر سایر اندیشمندان مورد بحث دارد.

در پایان به بررسی نظر حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری در مورد جهتداری علم پرداخته شده است. نظرات جناب آقای میرباقری نیز از آن جهت برای نگارنده حائز اهمیت است که می‌توان ایشان را نماینده فرهنگستان علوم اسلامی و بازگوکننده مواضع آن دانست. هرچند بنیان‌گذار فرهنگستان و تفکر آن حجت‌الاسلام و المسلمین سید منیرالدین حسینی الهاشمی بوده‌اند و برای بررسی نظرات فرهنگستان علوم اسلامی در مورد بحث جهتداری باید نظر ایشان مورد بررسی قرار می‌گرفت اما متأسفانه بسیاری از نظرات و آراء ایشان به صورت مکتوب وجود ندارد و در قالب سخنرانی و ... بوده است. اما مطالب جناب آقای میرباقری که در حال حاضر ریاست فرهنگستان را برعهده دارند به گونه‌ای سامان یافته‌تر در دسترس است و ایشان نظرات مرحوم حسینی و

فرهنگستان علوم اسلامی را به نحوی گسترده بیان نموده‌اند. از همین رو در این نوشتار، نظرات و مطالب آقای میرباقری به عنوان نماینده تفکر فرهنگستان مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت.

ایشان نیز در مورد جهتداری علوم و چگونگی دستیابی به علوم صحیح ادعای خاصی دارند و بر فلسفه‌ای متفاوت با فلسفه‌های مرسوم پافشاری می‌کنند و در این زمینه مطالب زیادی بیان کرده‌اند.

نگارنده سعی کرده است تا با رعایت امانت در نقل قول‌ها و همچنین تأکید بر سخنان خود آقایان مذکور، موضع ایشان در قبال مسئله جهتداری علم را تا حد توان روشن نماید.

2.1. اهمیت و ضرورت پژوهش:

اگر بنا باشد در مورد اهمیت و ضرورت موضوع مورد بحث مطالبی گفته شود، لازم است اشاره‌ای کوتاه به اهمیت و ضرورت مسئله علم دینی داشته باشیم؛ زیرا اساساً این بحث در این تحقیق، در راستای دستیابی به علم دینی مطرح می‌گردد و انگیزه‌ای غیر از این برای نگارنده مطرح نیست.

به طور اختصار در باب اهمیت موضوع علم دینی، باید گفته شود که مخصوصاً در سال‌های اخیر این بحث معرکه آرای برخی اندیشمندان شرقی و غربی بوده است و کتاب‌ها و جلسات فراوانی در تأیید و یا اثبات آن برگزار شده است. برخی از اساس با بحث علم دینی مخالف هستند و آن را امری بی معنا و غیر ممکن می‌دانند. برخی بررسی موضوع را تنها در علوم انسانی مرسوم می‌پذیرند و علوم طبیعی و ریاضی را از دایره این بحث برکنار می‌دانند و برخی نیز علم غیر دینی را بی معنا دانسته و آن را مساوی جهل معرفی می‌کنند.

حال باید دید آیا اساساً علم، به اوصافی مانند دینی و غیردینی، شرقی و غربی، مکتبی و غیرمکتبی و ... متصف می‌شود یا خیر. به عبارت دیگر آیا علم این قابلیت را دارد که به اوصاف مذکور متصف شود؟ بر فرض اتصاف علم به امور پیشینی، گستره این اتصاف چقدر است؟

پاسخ به سوالات مذکور می‌تواند نقشی تعیین کننده در فعالیت های علمی بگذارد. جهتدار بودن یا نبودن علوم تجربی مرسوم، نتیجه مستقیمی در مباحث علم دینی خواهد گذاشت و از این نظر بحث جهتداری علم، یکی از مهم‌ترین مبادی و مبانی بحث علم دینی به شمار می‌رود و باید به دقت مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد.

3.1. پیشینه پژوهش:

جهتداری علم از جمله موضوعاتی است که به صورت مستقیم، چندان به آن پرداخته نشده است و در نوع خود از جمله موضوعات نسبتاً جدید به حساب می آید. از همین رو منابع متعددی در این رابطه وجود ندارد. با توجه به اینکه در این نوشتار، آراء سه نفر از اندیشمندان مورد بررسی قرار گرفته است به مهمترین آثار مرتبط ایشان در باب جهتداری اشاره می شود. آیت الله جوادی آملی از جمله افرادی هستند که در مورد عقل و جایگاه آن در هندسه معرفت دینی مطالب فراوانی را در آثار مختلف خود بیان کرده اند و از دستاوردهای عقلانی دفاع می کنند و معتقدند که عقل می تواند دفتر تکوین الهی را ورق بزند و دستاوردهای آن هیچ منافاتی با معارف نقلی ندارد زیرا نقل نیز دفتر تشریح الهی را بر می شمارد. کتاب «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» از ایشان، اختصاصاً به همین بحث پرداخته است و مطالب ارزشمندی در آن بیان شده است. ایشان در دیگر آثار خود نیز مباحثی را در مورد علم دینی و دستاوردهای عقلی بیان کرده اند که از جمله این آثار می توان به تفسیر تسنیم، سرچشمه اندیشه، شریعت در آینه معرفت، معرفت شناسی در قرآن، نسبت دین و دنیا و ... اشاره کرد. البته ناگفته نماند که ایشان هیچ گاه از اصطلاح جهتداری و یا عدم جهتداری در مورد علوم استفاده نکرده اند اما با بررسی آثار ایشان می توان نظر ایشان را راجع به این موضوع استخراج کرد. از این لحاظ این نوشتار از زاویه جدیدی به مباحث ایشان پرداخته است و سعی کرده تا با استفاده از سخنان ایشان در کتابها و سخنرانیهای مختلف نظر ایشان در این زمینه را تبیین نماید.

آقای دکتر سروش را نیز باید از جمله نخستین افرادی دانست که پس از انقلاب مطالب مفصلی را راجع به موضوع، روش، اعتبار و مسائل و مشکلات علوم، خاصه علوم انسانی بیان کرده اند و کتاب «تفرج صنع» بیانگر نظرات ایشان در این زمینه می باشد. ایشان در دیگر آثار خود نیز مطالبی راجع به علم و تاثیر برخی امور پیشینی در آن بیان کرده اند که از جمله می توان به کتابهای «علم شناسی فلسفی»، «علم چیست؟ فلسفه چیست؟»، و همچنین مقاله «اسلام و علوم اجتماعی؛ نقدی بر دینی کردن علم» و ... اشاره کرد. مطالب ایشان در این زمینه دارای ناسازگاری هایی می باشد که در این نوشتار به آنها پرداخته شده است. این نوشتار سعی کرده است با تمرکز بر نقش امور پیشینی در علوم، مطالبی منسجم را از نگاه ایشان ارائه دهد و از این جهت کاری جدید محسوب می گردد.

حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری نیز از جمله اندیشمندانی است که درباره علوم و نقش امور پیشینی در آنها مطالبی را بیان داشته اند. کتاب‌هایی چون «مبانی نظری نهضت (گفتارهایی در چرایی، چیستی و چگونگی علم دینی)»، «گفتگوی علمی پیرامون مفهوم علم دینی» و... و مقالاتی چون «علم دینی ابزار تحقق اسلام در عمل اجتماعی»، «علم اسلامی یعنی چه؟» و... از جمله آثار ایشان در این زمینه است. مهمترین اثر ایشان در این زمینه، کتاب «جهتداری علوم از منظر معرفت‌شناسی» است که حاصل کرسی نظریه‌پردازی ایشان در این مورد می باشد.

ویژگی نوشتار حاضر این است که به صورت منسجم به بحث جهتداری علم از منظر این اندیشمندان پرداخته است و سعی کرده با نگاهی توصیفی-تحلیلی نظرات و آراء ایشان را در این زمینه بررسی نماید.

4.1. سؤال اصلی پژوهش:

آیا برخی از اندیشمندان ایران (آیت الله جوادی آملی، حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری و دکتر سروش) امور پیشینی (اعم از فلسفه‌های مطلق و مضاف، جهان بینی، اصول موضوعه، پیش فرض‌ها، شخصیت و محیط عالم و ...) را در علوم مرسوم تجربی که به اصطلاح «Science» نامیده می شوند دخیل می دانند؟

5.1. سؤالات فرعی پژوهش:

تعریف علم از نگاه اندیشمندان مورد بررسی در این تحقیق چیست؟

در صورت مثبت بودن پاسخ به سوال اصلی تحقیق، عوامل دخیل از نگاه هر یک از این اندیشمندان کدام است؟

در صورت بروز اختلاف نظر بین این اندیشمندان، در مورد نقش امور پیشینی در علم، سر این اختلاف در چیست؟

6.1. فرضیه پژوهش:

اندیشمندان مورد بررسی در این تحقیق علی رغم اختلافات علمی و اساسی مرتبط با موضوع این تحقیق، مسئله جهتداری و لو به نحو اجمالی را قبول دارند.

7.1. روش پژوهش:

روش پژوهش در این نوشتار، روش کتابخانه‌ای و توصیفی است و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها، شیوه تجزیه و تحلیل کیفی می‌باشد.

8.1. اهداف پژوهش:

اهداف این تحقیق را نیز می‌توان در موارد زیر به صورت خلاصه بیان کرد:

الف) توصیف تلاش‌های علمی اندیشمندان ایران - بعد از انقلاب اسلامی - در زمینه جهتداری علوم و معرفی آن به محققان.

ب) نشان دادن ریشه‌های اختلاف و ایجاد مسئله‌های جدید.

9.1. جایگاه بحث جهتداری علوم:

بحث جهتداری علم از آن جهت که به علم، تعاریف، گستره علم، نقش شخصیت عالمان در علم، نقش محیط و فرهنگ در علم، نقش اصول فلسفی و متافیزیکی در علم، نقش تئوری‌ها و فرضیه‌ها در علم و ... می‌پردازد، بحثی معرفت‌شناسانه به حساب می‌آید و مطالب این نوشتار صبغه‌ای معرفت‌شناسانه دارد.

10.1. مفاهیم پژوهش¹:

1.10.1. علم

مفهوم علم، دارای تعاریف و اصطلاحات متعددی است و تفکیک آن‌ها از یکدیگر در این مباحث ضروری است. البته تذکر این مطلب نیز لازم است که در ذیل تنها تعاریف رایج و مشهور از علم بیان شده و هیچ گونه نقدی در مورد آنها ارائه نگردیده است، و روشن است که این نوشتار در پی نقد تعاریف مصطلح علم نیست و بررسی آنها به تحقیقی جداگانه نیاز دارد. مهم ترین تعاریف مشهور برای علم عبارتند از:

1. علم به معنای *اعم*: یعنی مطلق آگاهی و فهم که شامل معرفت حضوری و حصولی، تصدیق و تصور، جزئی و کلی، ناظر به واقع، اعتباری، نامنظم و یا سیستماتیک می‌شویم.
 2. علم به معنای *عام*: عبارت از «باور صادق موجه» است. این تعریف، شامل تصدیق‌ها و گزاره‌ها است و فقط ناظر به معرفت‌های ناظر به واقع است.
 3. علم به معنی *خاص*: مجموعه مسائلی که حول یک محور مخصوص دور می‌زند، رشته‌ای علمی و منظم با منظومه معرفتی سازوار است. این معنا فقط گزاره‌های کلی را در برمی‌گیرد، اما اختصاصی به علوم ناظر به واقع ندارد و علوم اعتباری را نیز شامل می‌شود. همچنین این تعریف معرفت‌های نامنظم را نیز خارج می‌کند.
 4. علم به معنای *اخص*: رشته‌ای علمی که روش تحقیق آن تجربه باشد. معادل این اصطلاح در زبان انگلیسی «Science» است. در این تعریف، مجموعه معرفتی مشتمل بر منظومه‌ای سازوار و ناظر بر جهان واقع مدنظر است که روش آن تجربه است. به عبارت دیگر علوم تجربی، معرفت‌های سامان‌یافته، نظام‌مند و تجربه‌پذیر است که تجربه در آن‌ها به عنوان داور مطرح است.
- آنچه در مباحث آینده مدنظر ما است، همین معنای چهارم است و ما عمدتاً در این نوشتار با همین معنا سروکار داریم.

2.10.1. علوم طبیعی و انسانی:

این علوم با توجه به موضوعشان قابل تقسیم به دو شاخه اصلی طبیعی و انسانی است.

1. در این بخش، از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای محمد مهدی قائمی با عنوان سرشت علم دینی بهره برده شده است.

علوم تجربی آن دسته از دانش‌های حقیقی تجربی‌اند که نظام‌مند و مدال بوده و متعلق شناسایی آن‌ها رفتار پدیده‌های غیرانسانی است که به غرض ریختن نظم پدیدارهای مادی غیرانسانی در قالب‌های کمیت‌پذیر، جهت پیش‌بینی و تسلط بر طبیعت بنا می‌گردند، این طیف شامل دانش‌های تولیدکننده و نیز مصرف‌کننده است.

علوم تجربی انسانی، دسته‌ای از علوم و معارف تجربی است که متعلق شناسایی و مطالعه آن‌ها، رفتارهای جمعی و فردی، ارادی و غیرارادی، آگاهانه و غیرآگاهانه انسانی است که در ضمن این مطالعه سعی می‌شود، اینگونه رفتارها در قالب نظم‌های تجربه‌پذیر ریخته شود و غایت آن پیش‌بینی‌های تجربه‌پذیر درباره رفتارهای آدمی باشد. این تقسیم نیز شامل علوم تولیدکننده و مصرف‌کننده است، مراد از این دانش‌ها، علوم انسانی است که ویژگی عینیت و تجربی بودن را دارا است و نتایج آن‌ها مبین نظم‌های تجربه‌پذیر درباره گونه‌های مختلف رفتار آدمی است؛ از این رو شامل الهیات و فلسفه نمی‌شود، بلکه دانش‌هایی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تجربی، علوم سیاسی، اقتصاد، مدیریت و ... را شامل می‌شود. همچنین مراد، دانش‌های اعتباری چون اخلاق، حقوق، زبان و ادبیات نیست.

امروزه در بحث‌های فلسفه علم، علوم انسانی که مترادف با علوم تجربی-انسانی است، به هیچ وجه با انسان‌شناسی به معنای اعم آن هم‌معنا نیست. انسان‌شناسی تجربی، مانند طبیعت‌شناسی تجربی، تجربه‌پذیر و تکرارپذیر است. موضوع علوم انسانی نیز، انسان کلی و نامعین نیست، بلکه انسان متعارف است؛ انسانی که در دسترس تجربه و آزمون قرارگیرد؛ بنابراین نمی‌توان علوم انسانی را به علومی که با انسان سروکار دارند، تعریف کرد؛ چرا که فلسفه و عرفان، مذهب و اخلاق و حتی طب هم با انسان ارتباط دارند.

3.10.1. روش علمی^۱

امروزه مسئله روش در علوم مختلف از چندان اهمیتی برخوردار است که بسیاری از تعاریف علوم از آن اخذ می‌شود و معرفتی که از چارچوب روشی علمی تبعیت نکند، خارج از حیطه آن علم تلقی می‌نمایند. مقصود از روش و متد، مجموعه ابزارهایی است که وصول به غایت و مطلوب را آسان

1 . Scientific method

سازد و غرض از روش علمی مجموعه اسلوب و طریقه‌هایی است که رسیدن به حقیقت را سهل و میسر می‌نماید.^۱

امروزه روش تجربی در تمام رشته‌های علمی پذیرفته شده است و این مسئله زاییده تفکر پوزیتویستی و روش استقرایی در علم است. هر چند تفسیرهای گوناگونی از روش تجربی و نقش تجربه در علم توسط اثبات‌گرایان، ابطال‌گرایان و تأییدگرایان ارائه شده است، ولی اصل کلی آزمون‌پذیری و تجربی بودن محتوای گزاره‌ها مورد توافق است.

برای مثال، در دیدگاه ابطال‌گرایی، گرچه روش علمی به معنای روش اکتشاف نظریه‌های علمی یا روش اثبات حقایق فرضیه‌ها و یا حتی روش اثبات محتمل‌بودن آن‌ها وجود ندارد. در عین حال، ملاک علمی بودن، آزمون‌پذیری است و روش تجربی تنها روش معتبر در تمامی علوم جدید است.

4.10.1. جهتداری علوم:

منظور از جهتداری علوم در اینجا این است که علوم تحت تأثیر پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه فرد عالم قرار می‌گیرند و این پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه، اعم از فلسفه‌های الهی یا الحادی، اصول ایدئولوژیک و فرهنگ و شرایط محیطی و ... می‌باشند.

5.10.1. متافیزیک

واژه متافیزیک، مشتمل بر دو بخش متا^۲ به معنای "مابعد" و فیزیک^۳ به معنای "طبیعت" است. بدین جهت متافیزیک به معنای مابعدالطبیعه است.

اما در اصطلاح، متافیزیک عمدتاً به دو معنا به کار گرفته می‌شود:

1- معنای خاص: در اصطلاحی، متافیزیک به معنای فلسفه خاص است، معرفتی که از خود وجود و احکام و عوارض مطلق وجود گفتگو می‌کند، و به عبارتی هستی‌شناسی است. متافیزیک در این

1. فلیسین شاله، شناخت روش علوم یا فلسفه علمی، ترجمه یحیی مهدوی، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۸. ص 135.

2. meta

3. physica

اصطلاح معرفت مابعدالطبیعه است و منظور از مابعدالطبیعه، جهانی ورای عالم طبیعت و برتر از عالم جسمانیات نیست، بلکه دانشی است که به مطلق هستی نظر می‌کند، پس معرفتی است متعلق به همه جهان‌ها نه صرفاً جهان مادی^۱.

نکته مهم آنکه روش متافیزیک، روشی تعقلی است و در داوری خویش از تجربه بهره نمی‌برد و هدف آن ارائه تفسیری عام از همه مراتب و تبیین روابط میان مراتب مختلف وجود هستی است و به دنبال پیش‌بینی در ناحیه عمل نیست.

2. معنای عام: در این استعمال، متافیزیک عنوانی است برای جمیع گزاره‌های نظری-توصیفی^۲ که به طریق تجربی به دست نیامده‌اند و محصول علم تجربی نیستند.

در ادامه بحث، مراد ما از متافیزیک همین معنای عام، یعنی احکام توصیفی غیر تجربی است و در صورت اراده معنای اول، قید خاص را می‌آوریم.

6.10.1. دین

تعاریف از دین چندان مختلف و متنوع است که ارائه فهرستی حتی ناقص از آن میسر نیست، اختلاف در روش‌شناسی تعریف دین، اختلاف مصادیق دین، خلط میان دین و دینداری، به‌کارگیری مفاهیمی مبهم در تعریف، نداشتن مصداق محسوس و مادی و اموری دیگر، از موانع و مشکلات تعریف دین است.

دین در لغت، به معنای اطاعت و انقیاد و تسلیم است و در اصطلاح، نظامی عقیدتی است و یا مجموعه‌ای از عقاید و اخلاقیات و شعائر و روش‌های عبادی و نظام‌هایی است که عنصر اعتقاد به آفریدگار یکتا را دربرداشته و مبتنی بر وحی است؛ در برخی اصطلاحات نیز، مجموعه‌ای از عقاید و مناسک و اخلاقیات که همراه با اعتقادات به موجودات ماوراءالطبیعی و امور قدسی است.

1. سروش، عبد‌الکریم، علم چیست؟ فلسفه چیست؟، تهران، صراط، 1371، صص 49 - 53.

2. احکام توصیفی، احکامی هستند که تکلیفی و ارزشی نیستند، در آن‌ها هیچگاه ارزش‌گزاری و داوری صورت نمی‌گیرد و صرفاً از نظر توصیف به ترسیم و تصور جهان پرداخته و اخبار دارند.

7.10.1. جهان بینی

برداشت شخص یا مکتب درباره جهان، «جهان بینی» است، به عبارتی جهان بینی تفسیر انسان از «هستی» و جهان اطراف است. شهید مطهری در تعریف جهان بینی می گویند: «جهان بینی یعنی یک برداشت کلی از مجموع جهان هستی».¹

جهان بینی، به طور کلی سه گونه است، یعنی از سه منبع ممکن است الهام بگیرد: علم، فلسفه، دین. پس جهان بینی سه گونه است: علمی، فلسفی، دینی. از نظر شناخت علمی، جهان کهنه کتابی است که اول و آخر آن افتاده است، نه اولش معلوم است و نه آخرش، نه مؤلفش شناخته است و نه غرض و هدف مؤلف معلوم است. «جهانشناسی علمی» جزء شناسی است نه کل شناسی، جزء شناسی که هرگز به شناخت کل و مجموع نائل نمیشود. «جهانشناسی فلسفی»، پاسخگوئی به همه آن مسائلی است که جهان را در کل خود مشخص می کند، قیافه و چهره جهان را می نمایاند و ارکان و پایه های ایدئولوژی انسان را استوار می سازد یا از بیخ و بن ویران می نماید.

جهانشناسی علمی و جهانشناسی فلسفی هر دو مقدمه عمل است ولی به دو صورت مختلف، جهان بینی علمی به این صورت مقدمه عمل است که به انسان قدرت و توانائی می بخشد که در طبیعت تصرف نماید و آنرا در جهت دلخواه خود به خدمت بگیرد، اما جهان بینی فلسفی به این صورت مؤثر در عمل است که نگرش او را به هستی شکل خاص می بخشد، به او ایده می دهد یا ایده او را از او می گیرد، طرز برخورد و عکس العمل او را در برابر جهان تحت تأثیر قرار می دهد، موضع او را در برابر جهان و جامعه معین می کند، به حیات و زندگیش معنی خاص می دهد و یا به کلی آن را بی معنی می سازد و خود او را به پوچی و هیچی می کشاند. «جهان بینی مذهبی» نیز این حالت را دارد با این تفاوت که در جهان بینی مذهبی بجای عقل، مبدء این تفکر کل نگر، وحی است.²

1. مرتضی مطهری، جهان بینی الهی و جهان بینی مادی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1363، ص 270

2. مرتضی مطهری، جهان بینی الهی و جهان بینی مادی (شش مقاله)، صص 274-285

8.10.1. نظریه

با وجود مکتوبات بسیاری که می‌کوشند با تبیین تئوری‌ها و استنباط اوصاف ذاتی آن‌ها، میان نظریه‌ها از یک‌سو؛ و قوانین، مدل‌ها و آنالوژی‌ها از سوی دیگر تفکیک کنند، اتفاق نظر همه جانبه‌ای در این زمینه وجود ندارد.¹

عوامل گوناگونی در تعدد و تکثر تعاریف ارائه شده (برای نظریه) دخیلند که مهم‌ترین آن‌ها دیدگاه معرفت‌شناختی تعریف‌کنندگان، نسبت به نقش تجربه در علم، و ربط مفاهیم و تئوری‌های علمی با واقعیت است. به همین دلیل، مادامی که نسبت به نقش تجربه در علم و ربط میان مفاهیم علمی با واقعیت، مبنایی دقیق و روشن اتخاذ نکنیم، تعریف دقیق نظریه‌ها، و تبیین اوصاف ذاتی آن‌ها میسر نخواهد شد.

1.8.10.1. معنای عام نظریه:

دیدگاه اثبات‌گرایانه که نقش تجربه را در علم، اثبات قوانین علمی می‌داند، حکم نظریه‌ها و فرضیات² را از قوانین علمی جدا می‌کند. قانون‌ها بر این مبنا، قضایایی اثبات شده‌اند که از ترابط و همبستگی‌های بین دو یا چند مفهوم (که ارتباط مستحکمی با امور مشاهده‌پذیر دارند) حکایت می‌کنند، حال آنکه نظریه‌ها و فرضیات، قضایایی اثبات نشده‌اند که به منزله پیش‌نویس قوانین به حساب می‌آید.³

لیکن، از آنجا که اثبات قطعی قضایا (به وسیله تجربه) میسر نیست، تمایزی که اثبات‌گرایان میان فرضیه و قانون قایل شده‌اند، رنگ می‌بازد و قوانین و نظریات علمی، جملگی قضایای ظنی و اثبات‌ناشده خواهند بود که به یک اندازه در معرض برخورد با موارد باطل کننده قرار دارند. بنابراین «تئوری» در یک معنای عام، «تصویری ذهنی از جهان یا قطعه‌ای از آن است»⁴ که ضمن آن می‌کوشیم، همبستگی‌های⁵ بین دو یا چند وجه از وجوه پدیدارها را بیان نماییم.

1. رک. آن راین، فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، صراط، ۱۳۷۰، ص 89.

2. در این نوشتار میان فرضیه و نظریه، تفاوتی قائل نشده و آن دو را مترادف به کار می‌بریم.

3. رک. برت، آرتور ادوین، مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، ص 38.

4. رک. عبدالکریم سروش، علم چیست؟ فلسفه چیست؟ ص 25.

در این کاربرد عام، فرقی نمی‌کند که اجزا و مفردات تشکیل‌دهنده تئوری، جملگی امور مشاهده‌پذیر^۱ باشند یا پاره‌ای از آن‌ها مفاهیم نظری و تصویری. به همین دلیل، تئوری در این نحوه استعمال، قوانین را نیز دربرمی‌گیرد.^۲

2.8.10.1. معنای خاص نظریه:

در معنایی خاص‌تر، نظریه‌ها تعبیه‌های مفهومی و هیئات ذهنی^۳ تلفیق شده و تعمیم یافته‌ای هستند که ویژگی‌های زیر را واجدند.^۴

1. برخلاف قوانین تجربی که ترکیبی از تصوراتی هستند که جملگی یا مطابق خارجی و مشاهده‌پذیر دارند و یا قابل تعریف عملی‌اند، تئوری‌ها بر تصوراتی مشتملند که نه مطابق خارجی دارند و نه تعریف عملی می‌پذیرند^۵، این مفاهیم غیرمشهود و غیرقابل تعریف عملی را «تصورات وهمی» یا «هویات نظری» می‌نامیم.
 2. نظریه‌ها در قیاس با قوانین، از مشاهده مستقیم دورترند، قوانین علمی، از آنجا که روابط متقابل مفهومی را تشریح می‌کنند که پیوند نزدیک با امور مشهود دارند، بسیار مرتبط با مشاهدات می‌باشند، هرچند که هیچ قانون علمی صرفاً بر داده‌های تجربی اتکا نداشته و از حد داده‌ها فراتر می‌رود.^۶ حال آنکه تئوری‌ها به جهت اشتغال بر تصورات غیر مشهود، به مراتب از مشاهده مستقیم دورند.^۷
 3. قوانین علمی بیشتر به شکل عبارت مفرد بیان می‌شوند، در حالی که تئوریها، نظامی از عباراتند که متضمن قوانینی می‌باشند.^۸
- به همین جهت تئوری‌ها از قوانین جامع‌تر بوده و محدوده وسیع‌تری از پدیده‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازند و قوانین را می‌توان از تئوری‌ها استنتاج کرد.^۹

1. Observable

2. رک. ایان بار بور، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، چاپ پنجم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1385، ص 172.

3. Conceptual schemes

4. همان، ص 173.

5. رک. عبد الکریم سروش، علم شناسی فلسفی، تهران، پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1372، مقاله قانونها و تئوریها، ص 16.

6. ایان بار بور، علم و دین، ص 173.

7. همان.

8. رک. علم شناسی فلسفی، مقاله قانونها و تئوریها، ص 19.

9. ایان بار بور، علم و دین، ص 173.

